



تنزل جایگاه رئیس کل بانک مرکزی

● یکی از دلایل عدم همراهی مدیران بانک مرکزی با اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در دهه ۶۰ شاید این بود که آنها نمی خواستند جایگاهشان تنزل یابد

گزارش

کتاب تاریخ بانکداری اسلامی در ایران نوشته میثم مهرپور، حاوی نکاتی از سیر شکل گیری و تکامل بانکداری در ایران است. روایت کتاب این گونه است که ابتدا درباره نخستین اقدامات برای تشکیل بانک در ایران و جهان سخن گفته و سپس مباحث به سمت گسترش بانکداری در ایران رفته است. در دوران پس از انقلاب اسلامی نیز موضوع بانکداری اسلامی و فعالیت های بانکی بدون ربا، در این کتاب مورد تأکید قرار گرفته است. در این شماره، بحث هایی درباره منابع قرض الحسنه مردم نزد بانک ها و استفاده های غیرقرض الحسنه ای بانک ها از این منابع، مطرح شده است که این مسأله باعث شد تا در اواخر دهه ۷۰، میل مردم به سپرده گذاری قرض الحسنه در بانک ها، کاهش یابد.

همه ما این جمله معروف را که قرض فقط قرض الحسنه است، بارها شنیده ایم. در این میان، برخی ها که سواد فقهی و اقتصادی ندارند، گمان می کنند هر تسهیلات یا وامی که از بانک دریافت می شود مصداق قرض است؛ در حالی که قرض صرفاً یکی از عقود شرعی مطرح در قانون است و اینطور نیست که بانکداری بدون ربا یا در نگاه کلان تر، بانکداری اسلامی همان بانکداری قرض الحسنه باشد. در قانون سال ۶۲ نیز عقد قرض به عنوان قرض الحسنه مطرح می شود و براین اساس باید تمام سپرده هایی که تحت عنوان سپرده قرض الحسنه در بانک ها سپرده گذاری می شوند صرف این امر شوند. اما انحرافات در این روند رخ می دهد که نه تنها نسبت سپرده های قرض الحسنه به مجموع سپرده های بانکی را طی دو دهه اخیر بشدت کاهش داده، بلکه عملاً قرض الحسنه را از نظام بانکداری کشور خارج کرده است. در ذیل به بررسی برخی از انحرافات رخ داده در قانون عملیات بانکی بدون ربا درباره عقد قرض الحسنه پرداخته شده است. یکی از مشکلات قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۶۲ که به عقد قرض الحسنه مربوط می شود، این است که در قانون سال ۶۲ عنوان «سپرده قرض الحسنه جاری» آورده شده است. نقدی که برخی از کارشناسان بعدها به این موضوع داشتند این بود که

باید عنوان سپرده قرض الحسنه جاری به «سپرده جاری» اصلاح شده و تغییر کند. استدلال این افراد نیز این بود که برخی اوقات تصور می شود چون سپرده های جاری، قرض الحسنه هستند، پس می توان از محل این سپرده ها به افراد قرض الحسنه پرداخت کرد. به عبارتی در بحث های اولیه تدوین قانون عملیات بانکی بدون ربا، تعریف سپرده جاری بر عقد قرض تطبیق داده شده است، در حالی که واقعاً قرض نیست. توتونچیان در پاسخ به این ابهام در قانون عملیات بانکی بدون ربا، ضمن پذیرش این انتقاد می گوید: «این حرف درست است. زمانی که شما حساب جاری دارید، درحقیقت به این معناست که به بانک وام داده اید و مالکیت سپرده تان را برای مدت مشخصی به بانک واگذار کرده اید؛ براین اساس، بانک می تواند هر کاری که خواهد با پول شما انجام دهد، چون مالکیت این پول به بانک واگذار شده است. ما در سال ۶۲ تمثلاً نام این سپرده را سپرده قرض الحسنه گذاشتیم تا از این طریق به کسانی که نیازمند هستند قرض الحسنه داده شود. اما متأسفانه با گذشت زمان، با سپرده های قرض الحسنه کارهای دیگری کردند؛ در حالی که ریالی به منابع قرض الحسنه بازدهی یا سود نمی دادند، با همین منابع عقد مضاربه یا... منعقد می کردند؛



یکی از مشکلات قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۶۲ که به عقد قرض الحسنه مربوط می شود، این است که در قانون سال ۶۲ عنوان «سپرده قرض الحسنه جاری» آورده شده است. نقدی که برخی از کارشناسان بعدها به این موضوع داشتند این بود که باید عنوان سپرده قرض الحسنه جاری به «سپرده جاری» اصلاح شده و تغییر کند. استدلال این افراد نیز این بود که برخی اوقات تصور می شود چون سپرده های جاری، قرض الحسنه هستند، پس می توان

را به افراد مختلف وام قرض الحسنه هر زمانی که بخواهند، می توانند سپرده های خود را از بانک طلب کنند در حالی که بانک این منابع را به افراد مختلف وام قرض الحسنه داده است. در این شرایط رجوع همزمان سپرده گذاران قرض الحسنه به بانک ها برای برداشت سپرده های خود، ممکن است مشکلاتی برای نظام بانکی ایجاد شود. توتونچیان در پاسخ به این ابهام معتقد است: «دو نکته وجود دارد؛ یکی اینکه دولت باید صندوقی داشته باشد که در چنین شرایطی از نظام بانکی کشور حمایت کند تا بانک ها در این صورت با مشکل مواجه نشوند. موضوع دیگر این است که باید شرایطی مهیا شود که افراد و سپرده گذاران که می خواهند سپرده های خود را



بشر

کاسبی بانک ها با سپرده قرض الحسنه مردم!

زمانی که شما حساب جاری دارید، درحقیقت به این معناست که به بانک وام داده اید و مالکیت سپرده تان را برای مدت مشخصی به بانک واگذار کرده اید؛ براین اساس، بانک می تواند هر کاری که خواهد با پول شما انجام دهد، چون مالکیت این پول به بانک واگذار شده است. ما در سال ۶۲ تمثلاً نام این سپرده را سپرده قرض الحسنه گذاشتیم تا از این طریق به کسانی که نیازمند هستند قرض الحسنه داده شود. اما متأسفانه با گذشت زمان، با سپرده های قرض الحسنه کارهای دیگری کردند؛ در حالی که ریالی به منابع قرض الحسنه بازدهی یا سود نمی دادند، با همین منابع عقد مضاربه یا... منعقد می کردند؛ فعالیت هایی که گاه در شرایط رونق اقتصادی با سودهای پنجاه درصدی همراه بود، اما ریالی از این سودها به سپرده گذار پرداخت نمی شد.

به صورت عقد قرض الحسنه در بانک سپرده گذاری کنند، پول خود را در بانک گذاشته، اما همچنان مالکیت این پول را در اختیار داشته باشند؛ یعنی اگرچه پول در بانک است، اما مالکیت آن در اختیار سپرده گذار باشد. من شخصاً این کار را در همان زمان انجام دادم؛ یعنی مقداری پول را در بانک سپرده گذاری کردم و افرادی را به بانک برای دریافت وام قرض الحسنه از منابع خودم معرفی می کردم. این هم یک روش بسیار ساده و خوب است که باید تبلیغ شده و رواج یابد؛ یعنی پول سپرده گذاران اگرچه نزد بانک است، اما مالکیتش همچنان با سپرده گذار است. «طبیعتاً افرادی که منابع ریالی خود را بابت قرض الحسنه در بانک سپرده گذاری می کنند، نیت های خیرخواهانه دارند. همان طور که گفته شد، حتی اگر در اقتصادی تورم وجود نداشته باشد، زمان دارای ارزش و قیمت است؛ بنابراین هرکسی که به دنبال پرداخت وام قرض الحسنه به افراد نیازمند است، نیت خیرخواهانه دارد. فایده این روش به خصوص در این شرایط این است که چون اعتماد مردم به نظام بانکی از اواخر دهه ۷۰ کاهش پیدا

را به کسانی به صورت تسهیلات قرض الحسنه بدهد که برای تأمین نیازهای فوری خود به آن نیاز دارند. یکی دیگر از چالش های اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا درباره عقد قرض، کاهش ارزش پولی و عدم امکان استفاده از عقد قرض در اقتصادهایی است که با تورم ساختاری و دورقمی مواجهند. برخی از افراد دریافت اضافه متناسب با تورم را در ازای پرداخت قرض، موضوعی شرعی و طبیعی دانسته و معتقدند هیچ فرد عاقلی در جامعه ای که تورم دارد، حاضر به قرض دادن نیست. این نگاه موافقان و مخالفانی دارد. مرحوم آیت الله رضوانی که در زمان تدوین قانون عملیات بانکی بدون ربا از نزدیک شاهد طی مراحل تدوین و تصویب این قانون بود، در این باره می گوید: «تورم به عهده بدهکار نیست و مدیون فقط بدهکار همان مبلغی است که قرض گرفته و با قرارداد ولو در ضمن عقد خارج لازم باشد، نمی توان آن را شرعی دانست.» آیت الله جعفر سبحانی نیز در این باره می گوید: «چیزی را که شخصی به عنوان قرض الحسنه داده است، فقط می تواند مثل آن را بگیرد، خواه کالا باشد (اعم از نقدی و دیگر کالاها) که ارزش ذاتی دارند، خواه اسکناس که ارزش اعتباری دارد و اگر بیش از آنچه پرداخته است به عنوان تورم و کاهش ارزش بگیرد، ربا خواهد بود.» حضرت آیت الله مرعشی شوشتری نیز در این باره معتقد است: «از کلمات فقها استفاده می شود که مال الفرض اگر مثلی باشد، مدیون فقط مسئول پرداخت مثل آن مال می باشد و اگر قیمتی باشد، مسئول پرداخت قیمت آن می باشد.» مرحوم آیت الله تسخیری در این باره می گوید: «مسأله مورد بحث در مطالعات